

# اعلامیه مشترک حزب توده ایران، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست ترکیه، حزب کارگر ترکیه در پیوند با تشدید جنگ ایران و عراق

که برای امکان برقرار کردن تماسها و تلاشهای صلح چویانه در راستای قطع جنگ بوجود می آورد، با تشدید عملیات جنگی در "جنگ شهرها" با بکارگیری موشکها برای ویرانگری و همچنین بهره گیری از جنگ افزار شیمیایی توسط عراق، در مقیاس وسیع و خطرناک خود را نشان داد. در عین حال، ملاحظه می شود که این امر همراه با ادامه تمرکز یکان های جنگی امپریالیسم، بویژه امپریالیسم امریکا، در خلیج فارس صورت می پذیرد. نتیجه اینکه باید تاکید کرد این تمرکز که به بهانه دفاع سوبرای پایان دادن فوری به آن داده می شود و وضع مطلوبی

ما: نمایندگان حزب توده ایران، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست ترکیه و حزب کارگر ترکیه، با احساس لزوم مشورت و تعادل نظر پیرامون تحولات نوین رویدادها در منطقه و با توجه به مناسبات مستحکم انترناسیونالیستی میان احزابمان، به منظور بررسی واپسین رخدادها در خاور نزدیک و پیوند آنها پیش از هر چیز با جنگ ایران و عراق و تاثیر پلاواسطه اش در کشورهایمان، دیدار مشترکی ترتیب دادیم. جنگ ایران و عراق، علیرغم فراخوان هایی که از همه سوبرای پایان دادن فوری به آن داده می شود و وضع مطلوبی



شماره ۲۰۵ دوره هشتم  
سال چهارم سه شنبه ۱۳۶۷/۲/۱۳  
بها ۲۰ ریال

## سخنرانی کوتاه شده رفیق خاوری

### دیپراول کمیته مرکزی حزب توده ایران

#### در جلسه مشورتی بررسی مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" فروردین ۱۳۶۷

و جدانی شان شادباش یگویم. ما افتخار می کنیم به اینکه مجله خدمات بزرگی به جنبش کمونیستی و رهائی بخش ملی و در مهارزه برای صلح، دموکراسی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم انجام داده است.

چنانکه در گزارش هیئت تحریریه و شورای تحریریه "مسائل صلح و سوسیالیسم" دیده می شود، مجله در فاصله میان دو جلسه مشورتی نمایندگان احزاب برادر، کوشیده است مهمترین مسائل و رویدادها را همخوان با سفارش های جلسه مشورتی دسامبر سال ۱۹۸۴ بیان کند. در نتیجه حوادثی که طی این مدت روی داده جهان توانسته است آرامتر تنفس کند و امید دستیابی به دنیای بدون جنگ افزار هسته ای در آینده، رشد کرده است.

رفقای ارجمند!

اجازه بدهید بنام کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما نمایندگان احزاب برادر صمیمانه درود بگویم و برای برگزاری جلسه مشورتی پیرامون کار مجله اطلاعاتی و تئوریک جنبش مان آرزوی موفقیت کنم.

ما همچنین سیاستگذاری عمیق خود را نسبت به حزب برادر، حزب کمونیست چکسلواکی، ابراز می داریم که شرایط بسیار خوبی برای کار جلسه مشورتی و کار عادی مجله طی سال های طولانی فراهم کرده است.

امسال مجله ما سی ساله می شود. خوشحالم که به همه کارکنان "مسائل صلح و سوسیالیسم" بمناسبت این سالگرد و نتایج کارشراقتمدان و

## هماهنگی امپریالیسم، صهیونیسم

### و ارتجاع در جنگ

در اعلامیه ۲۰ فروردین ماه کمیته مرکزی حزب توده ایران تحت عنوان "تجاوز آمریکا به ایران را محکوم می کنیم"، ضمن ابراز نکزانی از "خطر گسترش دامنه جنگ"، اقدامات تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا "بشدت محکوم" شده است. دلایل این داغ محکومیت زدن نیز بروشنی بیان شده است. اعلامیه کمیته مرکزی خاطرنشان می سازد، که "حمله رژیمناوهای آمریکایی به سکوهای نفتی ایران، که موجب زیانهای مالی و جانی هنگفتی شده است، در واقع نوعی جنگ اعلام شده ایالات متحده آمریکا علیه مردم ایران و تجاوز آشکار به تمامیت ارضی میهن ماست".

و می افزاید "این اعمال تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا... از جمله با هدف توجیه حضور نظامی-سیاسی در منطقه خلیج فارس در نزد افکار عمومی مردم آمریکا انجام می شود".

طبیعی است، برای توده ای ها، که به هیچ وجه سرنوشت خود را از سرنوشت خلقشان جدا نمی دانند، و علیه هر نیرویی، که از قبل عملکرد آن خواه زیان جانی یا مالی و یا کینه توزی و دشمنی متوجه مردم ما گردد و خواه تمامیت ارضی میهنمان مورد تجاوز قرار گیرد، با تمام قامت بپایم خیزند. بویژه در مورد مشخص این عملیات تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا باید گفت، که این عملیات یکی از عناصر جدی دخالت آشکار و مستقیم نیروهای مسلح آمریکا در امور جنگ ایران و عراق و امور داخلی خلقهای منطقه خلیج فارس بمنظور زمینه چینی برای تحقق دسایس رنگارنگ سیاسی و نظامی و آماجهای کوتاه مدت و دراز مدت ایالات متحده آمریکا در سر منطقه است.

گذشته از اینها باید توجه داشت، که هر دو از اقدامات تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا خود طلعا زمینه ساز رویارویی ها، تشنج آفرینی ها و ماجراجویی های نویینی می گردد. چنین اقداماتی بقیه در ص ۶

## باز هم مردم فریبی

می خوانند به افکار عمومی تلقین و تحمیل کنند که گویا باصطلاح "جناح فقاهتی" - که مخالف طرح تقسیم زمین بین کشاورزان و مبارزه با سرمایه داری و سرمایه داران غاصب است و "اندر مشروعیت سرمایه داری و بلکه مطلوبیت سرمایه داری و سرمایه دارها از نظر شرع" قلم زده و می زند و داد سخن بقیه در ص ۶

"اسلام پابرهنگان، اسلام سرمایه داری" عنوان سلسله مقالاتی است در "کبهان"، که زمینه های صدور فتوای اخیر خمینی را بررسی می کند. در چهاردهمین بخش این سلسله مقالات (۱۵ فروردین) آمده است:

"هریحا باید بگوئیم، که عدم توفیق مجلس دوم در تصویب برخی قوانین اسلامی و بنیادین، که از شروع انقلاب در افکار مردم موج می زد و بر زبانها جاری می شد و جانناهیبه تمامی شعارهای انقلاب شده بود، عدلتاً بدلیل تردیدها، فشارها و شانتاژهایی بود، که از سوی جناح باصطلاح فقاهتی در جای جای جامعه رسوخ کرده و به ظهور رسیده بود".

محتوای تبلیغات کنونی ج.ا.ا، که رسانه های گروهی در اطراف آن سر و صدای زیادی براه انداخته اند. عدلتاً کرد همین مقوله دور می زند.

### \* پیرامون شعار

#### "جبهه آزادی و صلح"

در ص ۴

### \* سالگرد شبیخون

در ص ۲



## سخنرانی کوتاه شده رفیق خاوری . . .

پنجم ماه آوریل ۱۹۸۵ حزب لنین، اعلامیه م. س. گارباچف، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، در ۱۵ ژانویه سال ۱۹۸۶، برنامه صلح بیست و هفتمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی، در آمیخته با تلاش‌های دولت صلحدوست و جنبش توانمند هواداران صلح در سراسر سیاره، دلیل آنست که ارزیابی خوشبینانه‌ای درباره روند بعدی رشد رویدادهای جهانی داشته باشیم.

دگرگونسازی در اتحاد شوروی، رشد اجتماعی - اقتصادی شتابان، علنیت و دمکراتیزه کردن همه جوانب زندگی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با گسترش نوآندیشی در حل مسائل بین المللی الهام بخش این امید است که صلح از جنگ اندازی محافل تجاوزکار امپریالیستی رهائی خواهد یافت.

پس از امضای پیمان ناپه‌کردن موشک‌های میان برد و کوتاه برد، خلق‌های جهان در انتظارند که گام‌های بعدی نیز در راه خلع سلاح برداشته شود. اما هنوز هم مانند گذشته، جهان را خطر تجاوز و سیاست جهان‌سالاری نوین امپریالیسم و پوپریزه امپریالیسم آمریکا تهدید می‌کند.

امپریالیسم همچنان درصد کسب برتری نظامی است و با توازن نیروها و امنیت متقابل همانند امری غیرقابل پذیرش برای خود، برخورد می‌کند. سیاست تجاوزکارانه نسبت به خلق‌های فلسطین، افغانستان، کامپوچیا، نیکاراگوئه، السالوادور، آنگولا، موزامبیک، پاناما، شیلی و بسیاری دیگر از خلق‌های آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین همچنان ادامه دارد. ماهیستگی عمیق خود را با این خلق‌ها که برای منافع و حقوق ملی خود مبارزه می‌کنند ابراز می‌داریم.

دشواری‌ها در راه خلع سلاح عظیم است. وظایف مبارزه در راه صلح و خلع سلاح نیز عظیم است. ما بر این باوریم، که توان نظامی و اقتصادی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و سیاست جسورانه و واقع‌بینانه آنها در مبارزه بخاطر جهان عاری از جنگ افزایش یافته، همراه با اراده خلل‌ناپذیر خلق‌های سراسر جهان برای حفظ صلح در سیاره ما، آن اهرم‌های نیرومندی است که به کمک آنها می‌توان صلح و تمدن را نجات داد و تهدید فاجعه هسته‌ای را برطرف ساخت.

رفقا!

ما گزارش هیئت تحریریه و شورای تحریریه در فاصله دو جلسه مشورتی احزاب برادر را در اساس تأیید می‌کنیم. و در پیوند با راستای بعدی کار "مسائل صلح و سوسیالیسم" برآنیم که وضع ناآرام و خطرناک جهان از ما می‌طلبد، که موضوع مبارزه برای صلح باید همچنان مهمترین چار در مجله ما بخود اختصاص دهد.

بعقیده ما یکی دیگر از مهمترین وظایف هیئت تحریریه عبارتست از تحکیم دوستی و همبستگی میان احزاب برادر در مبارزه مشترکشان. در این راستا، پشتیبانی همه جانبه احزاب برادر از کار مجله می‌تواند اجرای موفقیت آمیز این وظایف را تأمین کند.

حادث شدن بسیاری از مسائل بین المللی در زمان ما پیوند ویژه‌ای با مسائل جنگ و صلح دارد و تلاش‌های حداکثر جنبش ما را می‌طلبد. حزب ما پیشنهاد می‌کند که برای بررسی عمده ترین مسئله معاصر مبارزه برای صلح - دیدار احزاب برادر کمونیستی و کارگری سازماندهی و برگزار گردد. این دیدار می‌تواند به اتخاذ تدابیر عملی‌تر و مشخص‌تر برای اجرای موفقیت آمیز این مبارزه بینجامد.

مسئله پشتیبانی از جنبش‌های رهائی بخش ملی خلق‌ها، مبارزه برای برقرار کردن نظم نوین اقتصادی، علیه فقر، گرسنگی، بیسوادی و واپس ماندگی خلق‌های غارت شده، توجه بیشتر و دقیق‌تر مجله ما را طلب می‌کند. مسائل مربوط به انقلاب علمی - فنی و تأثیر آنها بر زندگی زحمتکشان در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری و "جهان سوم" خواهان مطالعات با دقت از سوی هیئت تحریریه است.

محافل جنگ طلب امپریالیسم مانند همیشه، اندیشه‌های کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی را بمنظور اجرای سیاست خطرناک مسابقه تسلیحاتی بیان می‌کنند. آنها که افسانه "خطر نظامی شوروی" برد ندارد، تز "مسئولیت یکسان دو ابر قدرت" مطرح می‌گردد تا آراء لازم

برای تحقق سیاست ضد انسانی جنگ هسته‌ای را برایشان تأمین کند. تبلیغ وسیع و اقناعی سیاست صلح اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی، توضیح سرشت دفاعی پیمان ورشو و سیاست کشورهای سوسیالیستی برای حفظ توازن نظامی باید پاسخ‌های عملی به اقدامات عوامفریبانه ضد شوروی و ضد کمونیستی باشد.

مسئله ملی در کشورهای "جهان سوم" نیاز به مطالعه ژرف‌تر دارد. امپریالیسم هنوز هم آنرا برای سیاست "تفرقه بیانداز و حکومت کن!" خود ماهرانه مورد استفاده قرار می‌دهد.

رفقا!

نه سال از انقلاب ایران می‌گذرد.

موج توانمند مبارزه همه‌خلقی در راه زندگی سعادت‌مند، آزاد و عادلانه، رژیم منحوس پهلوی واپسته به امپریالیسم آمریکا را روفت. اما روحانیون، مرتجع‌هایی که پس از انقلاب به حکومت رسیدند، بدلیل داشتن گرایش‌های نظری و طبقاتی واپسگرا و منافع تنگ نظرانه صنفی خود، بتدریج در راه خیانت به آمل انقلاب خلقی گام گذاشتند.

اینک در جمهوری اسلامی حدود ۵ میلیون پیکار و نیمه پیکار وجود دارند. زحمتکشان از حق تشکیل سازمان‌های آزاد صنفی محرومند. رژیم وجود طبقات و ملیت‌ها و در این چارچوب حق آنها برای دفاع از منافع طبقاتی و ملی خود را نفی می‌کند.

هفت سال و نیم است که جنگ ایران و عراق ادامه دارد.

جنگ برادر کشی در کردستان، سیاست دشمنی و دخالت در امور داخلی افغانستان طی این سال‌ها حتی برای یکروز قطع نشده است.

اراقی را اراده می‌دهم که وضع فلاکت بار مردم کشور ما را بروشنی ترسیم می‌کنند:

بالغ بر یک میلیون کشته و معلول، دهها هزار اسیر جنگی، حدود سه میلیون آواره، دهها هزار زندانی، بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار خسارات مادی در جریان جنگ ... این فهرست را می‌توان همچنان ادامه داد.

زنان و اقلیت‌های مذهبی زیر یوغ ستم مضاعف قرار دارند. برای دگراندیشان هیچگونه حقوقی برسمیت شناخته نمی‌شود. آنها را از کار اخراج می‌کنند، به زندان‌ها می‌افکنند و زیر شکنجه‌های جهنمی دائمی قرار می‌دهند.

سیاست ضد خلقی داخلی و حادثه چوئی خارجی حکام مرتجع جمهوری اسلامی لطمات عظیمی به منافع ملی ما وارد ساخته و صلح در منطقه را در معرض خطر جدی قرار داده است.

برای جنگ ایران و عراق پایانی دیده نمی‌شود.

بیش از ۵۰ درصد بودجه یک خلق فقرزده برای نیازهای جنگ مصرف می‌شود. ادامه جنگ منجر به نظامی شدن اقتصاد بدون آنهم بیمار کشور شده است. صدها شهر، روستا و پنجاه‌های اقتصادی ایران گردیده است.

امپریالیسم جهانی، پوپریزه امپریالیسم آمریکا و صیهونیسم نقش کم‌اهمیتی در برانگیختن این جنگ ایفا ننموده‌اند.

نادرست است اگر تصور شود که حکام ایران کورکورانه از اوامر کسانای در آنسوی اقیانوس پیروی می‌کنند. اما سیاست ضد کمونیستی رژیم اسلامی و سیاست او مبنی بر صدور "انقلاب اسلامی" زمینه مطلوب برای سیاست تجاوزکارانه ایالات متحده آمریکا را در منطقه فراهم می‌سازد.

صدور انقلاب اسلامی یکی از عوامل عمده در سیاست خارجی رژیم است. سیاست ادامه جنگ با عراق، دخالت در امور افغانستان و در امور داخلی نیروهای میهن پرست لبنان، برخورد دشمنانه با مبارزه کمونیست‌های لبنان علیه تجاوز اسرائیل و خرابکاری علیه سازمان آزادیبخش فلسطین از همین چارچوب سرچشمه می‌گیرد.

حزب توده ایران - حزب طبقه کارگر کشور - در تدارک و انجام انقلاب فعالانه شرکت داشت. پس از انقلاب حزب بسرعت آغاز به رشد کرد. مبارزه فعالانه ایدئولوژیک و سیاسی اش، همیزان زیادی، کمبود آگاهی لازم سیاسی را، بخصوص در میان روشنفکران مترقی و کارگران پیشرو جبران می‌کرد.

رشد سریع صفوف و اقتدار حزب رژیم را که گرایش به انحصاری کردن حاکمیت کشور و سلطه بر عقول توده‌ها را داشت هراسان کرد. در فوریه



## سالگرد شیخون

۷ اردیبهشت، ۵ سال از یورش گسترده و

وحشیانه رژیم ج.ا. به صفوف حزب توده ایران می‌گذرد. در این توطئه بزرگ حاکمیت "ولایت فقیه"، "سیا"، "موساد" و "اینتلینس سرویس" نقش فعالی بعهده داشتند. گروههای مسلح ماموران امنیتی رژیم، در تهران و شهرستانها، با نهایت وحشیگری به خانه توده ایها حمله کردند و هزاران نفر از رفقای ما را از آغوش گرم خانواده‌ها بیرون کشیدند و به سیاهچالها افکندند و شکنجه و آزار توده ایها، که از ۱۷ بهمن سال ۶۱، با دستگیری بخش مهمی از کادر رهبری حزب شدت بی سابقه‌ای آغاز شده بود، اوج تازه‌ای یافت. پیش از بهمن ۶۱ چند صد نفر از رفقای ما، حتی از اعضا کمیته مرکزی، در زندان بسر می‌بردند که دیگر بار زیر شکنجه و تعزیر مداوم قرار گرفتند. "حاکمان شرع" و "بازجویان"، که بخشی از آنان از شکنجه‌گران کارآزموده "ساواک" اند و "تجربه" خود را به همکاران "حزب الهی" شان نیز منتقل کرده‌اند، همه تلاش و توانشان را در منتهای سعیت و درندگی بکار گرفتند، تا با آماده کردن زمینه نمایش "شوهای" تلویزیونی و زدن اتهامهای ناروا، حزب توده ایران را، همچون دوران حکومت شاه - "ساواک"، "منحله" و فعالیت آن را "غیرقانونی" اعلام کنند. در این راستا، گروهی از رفقای ما تیرباران شدند و با زیر شکنجه بقتل رسیدند. این جنایتها هنوزم ادامه دارد.

اما از همان بدو یورش، در شرایطی، که رژیم همه بوقهای تبلیغاتی خود را برای لجن پراکنی علیه حزب بکار گرفته بود، ما مبارزه مخفی خود را، علیرغم ضربات سختی که خورده بودیم، پی گرفتیم. امروزه فعالیت هسته‌های حزبی در داخل جامعه چشمگیر است. این نشان می‌دهد که تیر حاکمیت به سنگ خورده است و حزب ما می‌رود تا پایه‌های خود را در جامعه و در میان زحمتکشان روز بروز محکمتر کند. حزب توده ایران زنده است؛ با رفقای زنده است، که در زندانها مقاومت می‌کنند؛ با توده ایهای گمنامی زنده است، که در شرایط ترور و اختناق کنونی در میان مردم اند و شبانه روز فعالیت می‌کنند. حزب مادر اندیشه‌های انسانی فنا ناپذیر خود زنده است، که بدو آن را در ذهن بیدار و آگاه جامعه پاشیده است. هیچ توفانی، هر قدر سهمگین و زهرآکین، این بلر را نابود نتواند کرد. ریشه‌های حزب ما از خون هزاران انسان پاک و شرافتمندی قد می‌کشد که کلیه هستی خود را در تطبیق اخلاص نهادند و به توده‌ها تقدیم کردند. ما تلاش می‌کنیم، تا با انسجام هر چه بیشتر و غلبه بر ضعفها و ناملازمات وفاداری خود را به آرمانهای انسانی شهیدان توده‌ای در عمل اثبات کنیم. ادامه دهندگان راه روزبه و ارانی و وارطان، راه تیزابی و افضلی و آذرفر در میان ما هستند.

## به مامی نویسند

- شخصی بنام عمیدی - صاحب سابق "کفش بلا"، که چند سالی است در آمریکا بسر می‌برد و یکی از بزرگترین فرش فروشی‌های نیویورک را دارد، اخیراً مورد دعوت برای بازگشت به ایران قرار گرفته است.

او در آستانه انقلاب نزدیک به ۹۰ میلیون تومان از بانکها وام دریافت کرده بود، پس از انقلاب از کشور فرار کرد و کلیه اموال او مصادره گردید. اما اکنون کلیه زمین‌ها و ساختمانهایش را پس داده‌اند و دعوت کرده‌اند، به ایران برگردد و کار سابق خود را ادامه دهد. او، که فعلاً در آمریکا زندگی آسوده‌ای دارد، گویا دو دل است، ولی دوستان نزدیکش که وضعی مشابه وی را داشته‌اند و بتازگی به آمریکا آمده‌اند، اصرار می‌ورزند که به ایران بازگردد.

ضمناً در همین دعوت نامه تاکید کرده‌اند که دولت از وام ۹۰ میلیون تومانی او چشم خواهد پوشید.

### تصحیح و بوزش

در شماره ۲۴ "نامه مردم" تاریخ اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بجای ۲۰ فروردین ۱۳۶۷، ۲۰ فروردین ۱۳۶۵ چاپ شده است.

در شماره ۲۰۲ - صفحه ۳ - رهنمودها و شعارهای اول ماه مه ... هنگام صفحه بندی جای دستون عوض شده است.

درمقیاس ملی هر کشور، یک وظیفه اصولی دیگر هم دارد و آن کمک به برقرارشدن پیوندهای نزدیکتر و داشمی‌تر میان احزاب است.

ما عمیقاً به لزوم جستجوی دایمی و پویای اشکال و وسائل نوین، بخاطر بهبود کارمجله "صلح و سوسیالیسم" معتقدیم.

کناره گیری از کارمجله و یا شرکت غیرفعال در آن از کارایی این ارگان، که وظیفه مبارزه برای آرمان‌های مشترکمان را در برابر خود نهاده است می‌کاهد.

در فاصله میان جلسات مشورتی نمایندگان احزاب برادر پیرامون کارمجله، شورای تحریریه با صلاحیت‌ترین ارگانی است که اصول، ایدئولوژیکی و سیاسی پذیرفته شده احزاب برادر را در زندگی پیاده می‌کند بنابراین شرکت بیشتر احزاب برادر در کارمجله به فعال کردن این ارگان منجر خواهد شد.

هیئت تحریریه ارگانی است مورد نیازمجله. هیئت تحریریه باید بهنگام اجرای وظایف مشخص از فرمالیسم پری باشد، تنگنیم هریک از شماره‌ها را تأمین کند و در این زمینه مسئولیت عملی داشته باشد.

برای دمکراتیزه کردن بیشتر کارمجله باید تدابیری اتخاذ گردد. بعقیده ما، تکمیل دمکراتیزه کردن ساختاری مجله با فعال بودن همه احزاب برادر در کار آن، با قبول مسئولیت بیشتر برای شرکت عملی در امر تدارک مطالبی که نیازهای خوانندگان ما را برآورده سازد و برنامه ریزی مشخص برای موضوع مقالات مجله پیوند مستقیم دارد.

بدون چنین شرکت فعال و عملی در طرح ریزی و انتشار هر شماره مجله، هرگونه تغییر صوری و سطحی باقی خواهد ماند و نخواهد توانست دگرگونی‌های جدی در بهبود کیفیت کار و محتوای مجله ایجاد کند.

ما مایلیم از رفقای شوروی و چکسلواکی و دیگر احزاب برادر در کشورهای سوسیالیستی و کشورهای سرمایه‌داری که با پشتیبانی خود زندگی عادی مجله را تأمین می‌کنند تشکر کنیم.

از توجه شما سیاست‌سازانیم.

سال ۱۹۸۳ ضربه پر حزب توده ایران وارد شد. حدود ده هزار عضو حزب به زندان افکنده شدند. اکنون پنج سال از زمانی که رفقای ما زندانی شدند و یا محرومیت از ابتدائی‌ترین حقوق انسانی زیر شکنجه‌های دائمی جلاخان قرار دارند می‌گذرد.

دهماتن از رفقای ما و از آن جمله سه عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی زیر شکنجه جان باخته‌اند.

اما حزب بدون توجه به تضییقات وحشیانه به مبارزه دشوار خود ادامه می‌دهد. حزبی که پار ۶۰ هزار سال زندان اعضا پر افتخارش را بدوش می‌کشد، حزبی که هزاران عضو کشته شده‌اند، تیرباران گردیده‌اند و یادر زیر شکنجه جان خود را از دست داده‌اند. این حزب حتی یکرروز مبارزه را قطع نکرده است.

درکنار اعضای حزب توده ایران، هزاران عضو دیگر سازمان‌های مترقی-فدائیان خلق ایران (اکثریت)، مجاهدین خلق ایران و دیگران در زندان‌های رژیم زیر شکنجه‌اند.

رفقا! ما از احزاب شما بخاطر همستگی برادرانه با حزمان سیاست‌سازانیم و خواش داریم تلاش‌های خود برای آزادشدن زندانیان سیاسی در ایران را همچنان ادامه دهیم.

رفقای ارجمند! صرفنظر از برخی برخوردهای گوناگون نسبت به حل این یا آن مسئله، مواضع مشترکی که همیشه می‌تواند بعنوان پایه‌ای برای اشکال گوناگون همکاری میان احزاب برادر وجود داشته باشد اندک نیست. در این زمان، مجله ما یکی از واقعی‌ترین اشکال برای اینگونه همکاری‌هاست. نیرو، وزن و نفوذ ارگان جمعی ما، نه بر اراده پراکنده، بلکه بر خانواده نیرومند و بهم فشرده احزاب کمونیستی و کارگری تکیه دارد.

بنظر ما، مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" بهجز وظائف عادی خود: تجزیه و تحلیل، ارزیابی و نتیجه‌گیری‌های تئوریک از رویدادهای مهم در جهان و



## پیرامون شعار "جبهه آزادی و صلح"

این مقاله را در ادامه بحث پیرامون پایه‌های تئوریک ضرورت پریایی "جبهه آزادی و صلح"، که از تصویب پلنوم دی ماه ۱۳۶۶ کمیته مرکزی حزب توده ایران گذشت، به چاپ می‌رسانیم. در ضمن بار دیگر از رفقا و هواداران حزب دعوت می‌کنیم، تا نظرات تحلیلی خود را در این زمینه برای ما بفرستند - "نامه مردم".

در شرایط کنونی، شعار "جبهه آزادی و صلح"، شعار تاکتیکی عمده حزب ماست. این شعار که ریشه در واقعیت مشخص جامعه امروز ایران و تناسب نیروها در ایران و جهان دارد، می‌تواند راه را برای جامعه عمل پوشاندن به شعار استراتژیک ما هموار سازد. در تعیین این شعار، مسئله مبرم اتحادهای گسترده در پیوند ناگسستنی با منافع حال و آینده مردم میهن ما و مصالح واقعی رشد جنبش و انقلاب مینا قرار گرفته است.

"جبهه آزادی و صلح" جبهه است فراگیر، که بالقوه می‌تواند وسیع‌ترین نیروهای مخالف رژیم را در خود گرد آورد: نیروهایی، که بر حسب منافع و مصالح طبقاتی، سیاسی و اجتماعی و به دلایل دیگر با آزادی‌کشی و ادامه جنگ مخالفتند. در عین حال روشن است که در هم شکستن سد رژیم ترور و اختناق و پایان بخشیدن به جنگ از طریق "جبهه آزادی و صلح" نمی‌تواند بمعنای آغاز بلافاصله دگرگونی‌های ملی و دمکراتیک، که خواست مردم میهن ما و حزب ماست، باشد. با این وجود، اگر نیروهای انقلابی و دمکراتیک متحد و با برنامه عمل مشترک موفق شوند، با روشنگری در بین توده‌ها آنها را سازمان دهند و با سیاست صحیح از زمینه‌های مساعد عینی موجود بهره‌برداری بعمل آورند، خواهند توانست، دگرگونی‌های ژرف و ژرفتری را در جامعه بوجود آورند.

### چرا آزادی؟ چرا صلح؟

بدون تردید باید به این پرسش پاسخ گفت، که چرا از میان مسائل حاد و مبرمی که مردم میهن ما با آنها روبرو هستند (همانند آزادی‌کشی، ادامه جنگ، بیکاری میلیونی، یائسین بودن صلح حقوق و دستمزد، گرانی و تورم، وضع فاجعه‌بار مسکن و بهداشت و درمان، مسئله ملی، مسئله زنان و...) دو خواست آزادی و صلح، از دیدگاه حزب ما، عمده تشخیص داده شده و به مضمون جبهه گسترده پیشنهادی حزب ما تبدیل گردیده است؟

نخست، در کلی‌ترین خطوط خاطر نشان می‌سازیم، که به باور ما این دو خواست، در واقع دو حلقه خاصی است که با دیگر حلقه‌های زنجیر خواستهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خلق، پیوندی سرشتی دارند و در صورت تحقق آنها راه برای مبارزه بخاطر دستیابی به دیگر خواستها و حل معضلات اجتماعی بیش از پیش هموار می‌گردد.

اما برای روشن شدن هر چه بیشتر ضرورت و رسالت "جبهه آزادی و صلح"، دو آماج آزادی و صلح را بیشتر می‌شکافیم:

آزادی‌های سیاسی مثل آب و هوا برای تشکل و مبارزه زحمتکشان ضروری است. زیرا در شرایط

اقتصادی و نیز بطور عمده راه رشد نیروهای مولده در جامعه را سد کرده است. کشور ما، که با توجه به منابع عظیم در آمد می‌توانست و می‌تواند به یک کارگاه عظیم صنعتی و سازندگی تبدیل شود، علاوه بر یک اردوگاه بزرگ نظامی تبدیل شده است. اقتصاد کشور بیش از پیش به سمت نظامیگری لجام گسیخته سوق داده می‌شود.

در عین حال، علاوه بر پیامدهای سهمگین و فاجعه‌بار ملی، به پیامدهای بالقوه خطرناک بین‌المللی ادامه جنگ و سیاست نظامیگری نیز باید توجه داشت. در شرایط انباشت عظیم جنگ افزارهای هسته‌ای و نظر به دیالکتیک رشد بغرنج و بهیستکی و بهمپیوستگی و بیکارچگی جهان معاصر، شعله‌ور شدن یا ماندن هر آتش درگیری و جنگ در هر نقطه‌ای از جهان بالقوه می‌تواند، دامنه جهانتکبر پیدا کند و به فاجعه‌ای هستی برانداز بیانجامد. باید منافع صلح در میهنمان را با منافع حفظ‌سیاره زمین به یکدیگر پیوند دهیم و با دریافتی منطقی و همه‌جانبه در راه صلح مبارزه کنیم.

### تناسب نیروهای اجتماعی

#### بسرود تشکیل "جبهه آزادی و صلح" است

در حال حاضر، با توجه به تشدید بی‌وقفه مجموعه تضادها در درون جامعه و درون حاکمیت و ژرفتر شدن دره موجود میان خواستهای اساسی توده‌ها (از جمله آزادی و صلح) و ناتوانی‌های رژیم باید این واقعیت را در نظر داشت که تناسب نیروها در عرصه جامعه بگونه‌ایست که اگر نیروهای مترقی و انقلابی متحد گردند و با روشنگری به بهره‌برداری درست و اصولی از امکانات عظیم این تناسب نیروها بپردازند، می‌توانند بیش از پیش راه پیروزی خلق را هموار کنند.

آرایش نیروهای اجتماعی پیرامون دو خواست آزادی و صلح بسود خلق و به زبان رژیم "ولایت فقیه" است. در یک قطب، اکثریت جامعه (کارگران، دهقانان زحمتکش و خرده مالکان کشاورز، پیشه‌وران و اصناف، روشنفکران ملی و مترقی و لایه‌هایی از بورژوازی) قرار دارد و در قطب دیگر اقلیت آزادی‌کش و جنگ طلب حاکم با پایگاه بگونه‌ای فزاینده محدود و شونده آن.

در سالهای اخیر، در پشت دود و دمه ادامه جنگ، طبقه کارگر و حزب سیاسی و تشکلهای واقعی صنفی-سندبکایی اش، آماج خشن‌تبارترین سرکوبها بوده‌اند.

این طبقه با تحمل بیشترین زیانهای مالی و جانی ناشی از ادامه جنگ، در شرایط حاکمیت رژیم ترور و خفقان بیش از هر قشر یا طبقه اجتماعی دیگر در جامعه، حقوق صنفی و سیاسی اش پایمال شده است. محرومیت‌های طبقه کارگر به شکل بی‌سابقه‌ای تشدید گردیده است. این طبقه نه تنها دسترنجش چپاول می‌شود، بلکه از ابتدایی‌ترین حقوق و آزادی‌های دمکراتیک بی‌بهره است. ادامه جنگ و سرکوب آزادی‌ها، برای طبقه کارگر افزون بر محرومیت‌هایی که جنبه عمومی دارد (همانند محرومیت از مشارکت در اداره امور اجتماعی و اقتصادی و آزادی‌های دمکراتیک) بمعنای تشدید هر چه بیشتر درجه بهره‌کشی و افزایش فقر و ناداری، بی‌برنهایی، بیکاری و گرسنگی نیز هست. برقراری

وجود دمکراسی، هر چند با خصلت محدود طبقاتی بورژوازی، در جامعه با بهره‌برداری از امکانات فعالیت علنی می‌توان رشته‌های پیوند با توده‌ها را استوارتر ساخت و به تربیت سیاسی و سازماندهی مبارزه توده‌ها پرداخت.

وجود آزادی‌های دمکراتیک و سازماندهی علنی طبقه کارگر و دیگر لایه‌های محروم اجتماعی در راه خواستهای صنفی و سیاسی‌شان راه پیروزی زحمتکشان را هموار می‌کند. هر پیروزی در صحنه‌های گوناگون مبارزه، شور و شوق بیکار را در زحمتکشان بیدار می‌کند و آنها را بیش از پیش در مکتب مبارزه طبقاتی آماده می‌سازد و برای واپسین نبرد علیه دشمن آماده می‌کند.

بویژه در اوضاع و احوال حاد کنونی جامعه ما، از آن رو مبارزه در راه آزادی‌های سیاسی، در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد که توده‌های عظیم خلق بیش از پیش از رژیم آزادی‌کش و جنگ طلب "ولایت فقیه" ناخشنود و رویگردان می‌شوند، ولی این ناخشنودی و رویگردانی اساساً بمعنای آمادگی آنها برای تشکل و مبارزه بر ضد رژیم نیست. حال آنکه، هر گونه گمنامی دمکراتیک سیاسی می‌تواند زمینه را برای بخشیدن خصلت آگاهانه و هدفمند سازمانیافته به ناخشنودی و رویگردانی توده‌ها فراهم سازد.

همچنین امروز پس از گذشت نزدیک به هشت سال از آغاز جنگ ایران و عراق، با توجه به ادامه بی‌شمار آن از سوی رهبران مرتجع و جنگ طلب جمهوری اسلامی، در راه اهداف توسعه طلبانه و تجاوزکارانه، پروشنی می‌توان درباره ضرورت شعار صلح سخن گفت.

پایان جنگ ایران و عراق و پا گرفتن صلح عادلانه با منافع حیاتی توده‌های مردم میهنمان، بویژه طبقه کارگر، و با مصالح ملی کشور و با صلح و امنیت بین‌المللی پیوند سرشتی دارد. چرا که جنگ منشا تلفات عظیم انسانی (مرگ بیش از یک میلیون انسان بویژه جوانان دو کشور)، زیانهای عظیم مادی (صدها میلیارد دلار و از جمله نابودی دستاوردهای ارزشمند تاریخی و فرهنگی)، آسیب‌های عظیم روانی (از آن میان، بال‌گستری غم و غصه و سوگ و احساس بدبینی و ناامنی) و تأثیرات منفی بر روند‌های گوناگون زندگی جامعه و از جمله عوامل اصلی تشدید بحران اقتصادی - اجتماعی، بیکاری، ژرفش دره میان فقر و ثروت، تورم و گرانی و سرکوب آزادی‌های دمکراتیک بوده و هست.

ادامه جنگ با پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی آن، در سایه فرمانروایی رژیم ترور و خفقان امکان هر گونه مبارزه برای گزینش راه رشد سالم و برنامه‌ریزی



آزادی و صلح برای طبقه کارگر نخستین گام در راستای تامین نان، مسکن، کار و حقوق صنفی و سیاسی است. طبقه کارگر ایران، خواه از نظر کمی و خواه از نظر کیفی، نیروی بسیار پراهمیت است، که با توجه به پیشینه مبارزات صنفی و سیاسی اش می تواند نقش چشمگیری در جامعه و در هر دگرگونی اجتماعی و انقلابی و نیز درجه ژرفش و گسترش آن ایفا کند.

دهقانان زحمتکش نیز بعنوان نزدیکترین متحدان طبقه کارگر از سرکوب آزادیهای دمکراتیک و ادامه جنگ رنج می برند و بیش از پیش با پوست و گوشت خنود احساس می کنند که رژیم تنها با دمیدن در شیبور ادامه جنگ و در سایه سرنیزه است که مناسبات ناعادلانه و ستمگرانه ضد دهقانی را بر روستاها حاکم می سازد. دهقانان ایرانی که برای تحقق خواسته های خود در انقلاب بهمین شرکت کردند و به این خواسته های خود دست یافتند، همچنان با تنگدستی، بی زمینی و بی آبی، بی سواد و بیماری دست بگریبان هستند. سیاست کشاورزی ضد مردمی و ضد ملی رژیم، اقتصاد کشاورزی و روستایی را با بحرانی ژرف روبرو ساخته است. رژیم بگونه ای فزاینده به واردات محصولات کشاورزی می پردازد. سیل مهاجرت دهقانان و خرده مالکان ورشکسته از روستاها به شهرها، در نتیجه فعال مایشایی بزرگ زمینداران، همچنان ادامه دارد.

در سالهایی، که جنگ ایران و عراق شعله ور است، دهقانان نه تنها از نظر جانی زبانهای جبران ناپذیری دیده اند، بلکه از نظر مادی نیز خسارات بسیاری را متحمل شده اند. در عین حال هر جنبش حق طلبانه و اقدام اعتراضی آنها علیه بزرگ مالکان بخراک و خون کشیده شده و همیای آن مواضع زمینداران بزرگ در سایه حمایت رژیم بیش از پیش تحکیم گردیده است. ناخشنودی و مخالفت دهقانان با ادامه جنگ، علیرغم تلاشهای عوامفریبانه رژیم با بهره برداری از باورهای صادقانه مذهبی و جاهل و بیسواد و عقب ماندگی فرهنگی وسیع موجود در روستاها، از یکسو، و ناخشنودی آنها از مناسبات ظالمانه و بهره کشانه از سوی دیگر بیش از پیش گسترش پیدا می کند. برخوردها و درگیریهای بین دهقانان و زمینداران بزرگ و سرنیزه داران و تفنگچی های رژیم که هر روز در روستاها روی می دهد، گواهی بر این مدعاست.

دهقانان برای مبارزه علیه بزرگ زمینداران، فئودالها، خانها و شیوخ، که با پشتیبانی نهادهای سرکوبگر رژیم هر روز در روستاها کشورمان جنایات تازه به نازهای می آفرینند، و بخاطر ایجاد دگرگونی در مناسبات ناعادلانه و ستمگرانه حاکم بر روستاها و بر سكونشاندن اصل "زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند" و نیز برای پیکار سازمانیافته علیه ادامه جنگ، نیاز به آزادی و تشکل دارند.

نارضایی در بین پیشه وران، اصناف و کسبه نیز در نتیجه عملکرد کلان سرمایه داران و عدم پشتیبانی رژیم از تولیدات داخلی و در عین حال دوشیدن این لایه های اجتماعی برای تامین هزینه های سرسام آور جنگی بیش از پیش ژرفش

می یابد. بویژه آنها شاهد آنند که کلان سرمایه داران با توجه به اهمیای سیاسی و اقتصادی پراهمیتی، که در اختیار دارند، از جمله با در دست داشتن سر رشته های اصلی امور مربوط به بازرگانی داخلی و خارجی از وضعیت بحرانی اقتصاد کشور حداکثر بهره برداری را بسود خود بعمل می آورند. در شرایط رکود تولید و ورشکستگی مالی و ارزی دولت، کلان سرمایه داران از راههای گوناگون از جمله احتکار و گرانفروشی، سودهای افسانه ای بجیب زده اند و پیشه وران و اصناف و کسبه و بطور کلی صاحبان سرمایه های کوچک و متوسط را در رقابتی نابرابر بگونه ای فزاینده بسوی ورشکستگی یا تبدیل شدن به کارگر مزدبگیر می دانند. کلان سرمایه داران با برخورداری از آزادی تشکل و سازمانیابی تحت پوششهای رنکارتنگ همانند "اتاق بازرگانی و صنایع و معادن"، "صندوقهای قرض الحسنه" و "بنیادهای خیریه" در تحکیم مواضع اقتصادی و سیاسی خود و نیز تحت فشار قرار دادن و کنترل سرمایه های کوچک و متوسط و دستیابی به حداکثر سود می کوشند. در شرایط کنونی، پیشه وران، اصناف و کسبه و صاحبان سرمایه های کوچک و متوسط به اشکال گوناگون در حرکات سیاسی و اجتماعی، بویژه در شهرها، نقش ایفا می کنند و در پایان یافتن جنگ و استقرار آزادی ذینفع هستند.

روشنگران که در شرایط جامعه ما اکثریت آنها از نظر خاستگاه و منافع اجتماعی با قشرها و طبقات محروم و زحمتکش پیوند دارند، بیش از پیش هر گونه بهبود در شرایط کار و زندگی خود را با یک کنش دمکراتیک و بازگشت صلح و آرامش به کشور، در ارتباط می بینند. تا کنون، بخشی از روشنگران با دیدگاههای ایدئولوژیک - سیاسی گوناگون به صفوف مخالفت فعال و مبارزه سازمانیافته بر ضد رژیم "ولایت فقیه" و سیاست پردازانهای آن پیوسته اند و واقعیات نشانگر آنست که با گذشت زمان این روند شتاب بیشتر و بیشتری خواهد گرفت.

جز زحمتکشان و لایه های بینابینی و روشنگران مترقی و آدابخواه، که در عمل با بالقوه با رژیم مخالفت می ورزند، لایه های از بورژوازی کوچک و متوسط و آن گروه از سرمایه دارانی، که آزادی کثی و ادامه جنگ به مواضع اقتصادی و سیاسی آنها لطمه وارد آورده است، نیز در جبهه مخالفت با رژیم قرار دارند.

بر اثر بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی و ورشکستگی مالی و ارزی رژیم و نظامی شدن فزاینده، خطوط تولید و بطور کلی اقتصاد کشور، چرخ تولید در بخش بسیار چشمگیری از کارگاههای صنعتی کشور، که به ورود مواد خام، قطعات یدکی و نیم ساخته از خارج وابسته بودند، از حرکت باز ایستاد. در وضع بورژوازی صنعتی هم دگرگونی های چشمگیری بوجود آمده است. تضعیف فزاینده بورژوازی صنعتی بر ساختار درونی این لایه تاثیرات معینی بر جای گذارد. قطع نظر از بروز تنوع در موضعی های اجتماعی و سیاسی گروه های درونی این لایه، که با منافع طبقاتی و میزان وابستگی آنها به رژیم و سیاست اقتصادی آن پیوند دارد، این لایه از بورژوازی بغور عمده در موضع ناخشنودی و مخالفت با رژیم قرار دارد. بطور کلی این لایه همانند برخی از دیگر لایه های بورژوازی

بخاطر محرومیت از شرکت در حاکمیت سیاسی، آزادی کثی و ادامه جنگ راه زبان خود می بینند. برعکس، بطور عمده بورژوازی بزرگ تجاری وابسته و بورژوازی بوروکراتیک نخواستار بویژه آن بخش از این لایه که در معاملات نظامی با دلالان و پادوهای انحصارات امپریالیستی و بازارهای فروش جنگ افزار سرمایه داری نقش دارد و بیشترین سودها و درآمدها را در شرایط آزادی کثی و ادامه جنگ به گاو صندوقهای خود سرازیر کرده است - بهرمان مدافعان و بیانگران منافع خود در حاکمیت و نیروهای قشری و متعصب مذهبی، با طیف متنوعی از خاستگاه طبقاتی، در موضع دفاع از رژیم آزادی کثی و جنگ طلب قرار دارند.

با توجه به آنچه که بیان شد، در شرایط کنونی، ترکیب طبقاتی جامعه معاصر ایران نشان می دهد که آرایش نیروهای طبقاتی بسود نیروهای طرفدار آزادی و صلح است و پایگاه اجتماعی رژیم با گذشت زمان بیش از پیش محدود می شود. هر چند در بی اوگیری ناخشنودی و مخالفت توده های مردم، از مدتی پیش خمینی با همیاری جناحی در درون حاکمیت تلاش می ورزد تا از طریق چاره اندیشی های گوناگون روند انزوای رژیم را متوقف سازد، ولی به باور ما رژیم آزادی کثی و جنگ طلب "ولایت فقیه" قادر نیست هیچگونه تحول اساسی و مثبتی در شرایط زندگی جامعه و زحمتکشان بوجود آورد. از این گذشته، با توجه به تضادهای درون حاکمیت، شعارهای بدون پشتوانه جدید سران رژیم، شرایط عینی کنده شدن بیش از پیش نیروهای از پیرامون حاکمیت را، که امروز برای رژیم سینه می زنند، فراهم می سازد.

بدینسان، با توجه به اینکه رژیم "ولایت فقیه" به بزرگترین سد راه تکامل مبین تبدیل شده است، اتحاد نیروها، سازمانها و احزاب ضد رژیم و عناصر و گروه های سازمانیافته در سطح جامعه و در پیرامون حاکمیت، که با جنبه های بسیار پراهمیتی از سیاست رژیم مخالفت، از ضرورت انکار ناپذیری برخوردار است. چنین اتحادی طبیعتاً باید پیرامون هدفها و منافع مشترک صورت گیرد. بنظر ما عده ترین این هدفها آزادی و صلح است. در عین حال ما به هیچ وجه در ضد انکار این واقعیت نیستیم که بیشتر نیروهایی که آنها را برای شرکت در چنین جبهه ای فرا می خوانیم نه تنها در گستره مواضع سیاسی و ایدئولوژیک اختلاف داریم، بلکه دارای ارزیابی و درک واحد از مرحله کنونی انقلاب و نیروهای محرکه آن و نیز سرکردگی انقلاب و همچنین دریافت مشترکی از دوستان و دشمنان مردم ایران در صحنه جهانی نیستیم و این اختلافات گاه بسیار ژرف است. ولی آنچه همه این نیروها را به هم پیوند می دهد توافق بر سر مبارزه متحد در راه آزادی و صلح می تواند باشد. حزب ما بار دیگر از همه نیروهای هوادار آزادی و صلح و مخالف رژیم "ولایت فقیه" می طلبد تا برای برپایی و تحکیم شالوده های "جبهه آزادی و صلح"، یعنی میرم ترین هدف جنبش آزادیبخش میهنمان گام به پیش گذارند.





## بازهم...

داده می‌دهد و "جنگ فقر و غنا" را کمونیستی می‌داندسته می‌داند - از صحنه سیاسی کشور پرده شده است. بنابراین بحرانی که پایه‌های نظامی "ولایت فقیه" را به سختی می‌لرزاند، بزودی پایان خواهد یافت. "مجلس سوم" با همیاری "شورای نگهبان" منتخب امام" - که خود مانع اصلی تصویب قوانین در "مجلس دوم" بود - و "مجمع تشخیص مصلحت نظام" و مهتر از همه حمایت شخص خمینی، کاری خواهد کرد کار ساز. با یک خیز راه طی شده در بیش از ۹ سال را برای پیاده شدن قوانین "اسلام پابرهنگان" خواهد پیمود و بدینسان رشته‌های باصطلاح "جناح فقامتی" پنبه خواهد شد. نظیر این تبلیغات و هیاهو در آستانه تشکیل "مجلس دوم" نیز، حتی با شدت و حدت بیشتر، براه افتاد. در حالیکه عمر مجلس تقریباً بسر آمد و بقولی و فاشد. حالا بازم "روز از نو، روزی از نو".

در مقاله یاد شده می‌خوانیم: "گسترش این بینش باصطلاح ("جناح فقامتی") و برخورد های تخریبی صاحبان آن در جامعه، موجب شد حضرت امام مشروعیت و اهمیت احکام حکومتی رابه نظام و مجلس ابلاغ نماید. نتیجه این ابلاغ مهم، چیزی جز تخلیه اقدامات سو و کار شکنی‌ها و شرع مداری‌های دو آتشه و غیر اصولی جناح باصطلاح فقامتی و نیز رفع تکتناهای قانونی نظام نبود".

یعنی اینکه در شرایط کنونی، دیگر "تکتناهای قانونی نظام" وجود خارجی ندارد، همه چیز بر وفق مراد است و با این "ابلاغ مهم" موجبی برای نگرانی مردم نمی‌تواند وجود داشته باشد.

بدینسان، رژیم می‌خواهد، تا با افکندن بار تمام خفاها بر دوش یک جناح عمده و کسب آبرو و محبوبیت برای جناح دیگر، که با "سرمایه داران غاصب" مخالف است، و نیز گشودن در باغ سبز "احکام حکومتی" و وعده "حل مسائل" بازم زمینه‌هایی برای فریب افکار عمومی، که نسبت به کل نظام ج.ا. بدبین است، بیاید. در حالیکه امید بستن به آن جناح نه باصطلاح "فقامتی"، که در اطراف آن بسیار سینه می‌زنند، خود سراسی بیش نیست. مادر اسناد حزبی بکرات اثبات کرده ایم، که اختلاف بین جناحهای عمده حاکمیت بر سر قدرت و منافع گروهی است نه بر سر دفاع از پابرهنگان و یا عکس آن. علاوه بر آن، در شرایط کنونی هیچ تغییر محسوس در ترکیب حاکمیت و حتی نمایندگان "مجلس سوم" بوجود نیامده است. بجز معدودی از نمایندگان منتسب به هر دو جناح، که حذف شده‌اند و کسان دیگری جای آنان را گرفته‌اند، هیچ آبی از آب تکان نخورده است.

اختلافها و درگیریها چه در مجلس، چه بین مجلس و "شورای نگهبان" منتخب خمینی و چه در "مجمع تشخیص مصلحت نظام" همچنان بقوت خود باقی است و روز بروز هم بیشتر تعمیم خواهد شد. کافی است به سخنرانی خامنه‌ای در نماز جمعه ۱۹ فروردین، یعنی همان روز رای گیری، توجه کنیم، تا این واقعیت ملموس تر شود: "تلاکرم سوم من به نمایندگان دوره سوم مجلس شورای اسلامی ایران است که از اختلاف، بویژه اختلاف علنی، آن هم در تریبون آزاد مجلس شورای اسلامی جدا پرهیز

## هماهنگی امپریالیسم...

حتی اگر بدون پیامدهای گسترده نظامی پایان یابد، بی شک راه را برای کوشش هر یک از طرفین بخاطر حداکثر بهره برداری از اوضاع بسودم صالح ارتجاع خود هموار می‌کند. مردم ایران در پی هر بار به آتش کشاندن سکویای نفتی ایران از سوی امپریالیسم آمریکا شاهد این روند بوده‌اند. رهبران مرتجع و جنگ طلب جمهوری اسلامی می‌کوشند، با سازماندهی تبلیغات پر جار و جنجال، خود را در "جنگ تمام عیار" با آمریکا نشان دهند و از این راه به سرکوب جنبش صلح مردم ایران و تامین هر چه بیشتر گوشت دم توپ بپردازند. آنها می‌خواهند از این طریق مناسبات پنهانی جمهوری اسلامی با آمریکا و معامله جنگ افزاری با "شیطان بزرگ" را به یاد فراموشی سپارند و باسپای "ضد امپریالیستی" بخود گرفتن همچنان به سرکوب آزادیها و حقوق دمکراتیک و یورش به نیروهای انقلابی ادامه دهند.

محافل حاکمه ایالات متحده نیز با اهداف خاص خود و برای بهره برداریهای گوناگون دست به این اقدامات تجاوز کارانه زده‌اند - چنانکه در اعلامیه کمیته مرکزی ذکر شده است از جمله: "با هدف توجیه حضور نظامی - سیاسی در منطقه خلیج فارس در نزد افکار عمومی مردم آمریکا".

در واقع، دولت ریگان باید در برابر مخالفان سیاست خارجی ماجراجویانه خود و کند و این اختلافات را به مردم تزریق نکنند. زیرا ضرر طرح این اختلافات به مراتب بیش از وجود شخص نامناسب در مصدر امور می‌باشد، همانطور که در ابتدای انقلاب دو گروه با هم اختلاف داشتند و مشخص بود که یک گروه درست نمی‌گویند، ولی حضرت امام نیز که بخوبی از این امر آگاه بودند، گفتند: چون زبان انقلاب (بخوان: حاکمیت "ولایت فقیه") است، اختلافات را کنار بگذارید".

آیا با این تفصیل، که خود نشان دهنده اعمال خفکار در مجلس فرمایشی آینده نیز هست، می‌توان انتظار "رفع تکتناهای قانونی نظام" را داشت؟

در تبلیغات رژیم، هاله کاذبی از تقدس گرد خمینی کشیده می‌شود. تلاش بر این است که از این جنایتکار ضد بشر، که در راه رسیدن به هدفهای شوم خود با جان و زندگی همه مردم میهن ما بازی می‌کند، چهره‌ای "متعالی"، "مردم دوست" و خواهان دستیابی توده‌های محروم به حقوقشان تصویر شود. گفته می‌شود که گویا وی با انتشار "منشور" خود در جریان برگزاری مراسم حج سال پیش و فتوای اخیرش و یورش به باصطلاح "جناح فقامتی" دست به "انقلابی دیگر" زده است. اینها همه از اساس دروغ است. مسئله این است که هزاران فرستک بین حاکمیت "ولایت فقیه" و توده‌های محروم و زحمتکش فاصله افتاده است و خمینی و پیروانش برای حفظ موقعیت خود، مطابق معمول، به یک سری مردم فریبی‌های تازه دست زده‌اند. خشم مردم حاکمیت را می‌ترساند. شعله‌های این خشم را هر چه بیشتر باید برافروخت و به آن ست داد.

مالیات دهندگان آمریکایی به اصطلاح ضرورت ادامه حضور نیروهای نظامی - دریایی این کشور را در خلیج فارس بمنظور تامین کشتیرانی آزاد توجیه کند. اما واقعیات گواه آنست که از زمان تشدید حضور نظامی - دریایی آمریکا و متحدانش، نه تنها "امنیتی" برای کشتیرانی تامین نگردید، بلکه تب بحران بیش از گذشته بالا رفت. چنانکه "مرکز اطلاعات دفاعی" گزارش می‌دهد از ۲۲ ژوئیه ۸۷، (یعنی از آغاز تشدید حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس) تا ۲۰ آوریل ۸۸ در منطقه ۱۵۵ درگیری و حادثه، یعنی تقریباً دو برابر بیشتر از سالهای ۸۷ - ۱۹۸۶، ثبت شده است.

بدینسان، چنانکه در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به روشنی و بدرستی مطرح گردیده است، بیش از پیش آشکار می‌شود، که هدف امپریالیسم از تمرکز بی سابقه نیروی دریایی در خلیج فارس "به هیچ وجه تامین امنیت کشتیرانی در منطقه نیست". امپریالیسم آمریکا و متحدانش ... عیلاً طرفدار ادامه جنگ ایران و عراق و گسترش تشنج در منطقه ... هستند. در این چارچوب امپریالیسم جهانی زمینه تحکیم مواضع خود در کشورهای خلیج فارس را بیش از پیش فراهم می‌آورد و بویژه ایالات متحده آمریکا این امکان را می‌یابد، تا با سرکوب جنبشهای رهایی بخش در منطقه به غارت بی بند و بار منابع طبیعی این کشورها ادامه دهد".

از سوی دیگر، باید توجه داشت، که انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده آمریکا نزدیک است. "بازها" و "کبوترها" برای شرکت در انتخابات آماده می‌شوند. در این شرایط ریگان با دستور خود مبنی بر "قاطعت" و "ضرب شست" نشان دادن در خلیج فارس و در پی آن با تبلیغات وسیع شونیستی تلاش می‌ورزد، تا نظر مثبت محافل هر چه وسیع‌تری را به "حزب جمهوریخواه"، جلب و از این راه در برابر جناحهای امپریالیستی "هنر" نمایی کند.

افزون بر اینها، همزمانی تجاوزات امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس با توطئه‌های رنکارتنگ صهیونیستها علیه خلق فلسطین و "ساف"، بار دیگر هماهنگی امپریالیسم و صهیونیسم را در نقشه پردازی علیه خلقهای خاورمیانه و نزدیک نشان می‌دهد.

همه واقعیات پیشگفته و از جمله بمبارانهای شیمیایی، تشدید جنگ شهرها و کشتار مردم بی دفاع، گسترش حملات و موج خونریزیها در جبهه‌های جنگ و وخامت بی سابقه اوضاع در منطقه خلیج فارس بیش از پیش روش می‌سازد که حتی یک روز ادامه این جنگ جز به سود امپریالیسم و ارتجاع و به زیان خلقهای منطقه و جهان نیست.

در این رابطه، وظیفه بس سنگینی در برابر همه نیروی مترقی و صلحدوست و همه وجدانهای بیدار قرار می‌گیرد: با افشای چهره جنگ افروزان و جنگ طلبان باید این آسیاب خون را از حرکت بازداشت. در این راه، اعلامیه کمیته مرکزی ضمن معرفی امپریالیسم جهانی بعنوان محرک اصلی جنگ و اشاره به تلاشهایش برای ادامه آن، خاطر نشان می‌سازد: سران مرتجع جمهوری اسلامی نیز با اصرار در ادامه جنگ برای "صدور انقلاب" ... عیلاً به تحقق هدفهای سیاسی - نظامی ایالات متحده کمک می‌کنند.



## اعلامیه مشترک . . .

منطقه خلیج فارس انجام می‌گیرد، خود موجب تشدید وخامت در منطقه و ایجاد خطرات بیشتر برای کشتی‌ها گردیده است. خلیج فارس، پس از آتش‌کشی اخیر نیروهای دریایی ایالات متحده آمریکا بوسیله سکوی نفتی ایران، بیش از پیش در معرض تهدید قرار گرفته است. خطر واقعی کشنده شدن پای دیگر کشورهای منطقه به این جنگ بی‌معنی وجود دارد. مساعد ثوبین و خطرناک جنگ ایران و عراق با اظهارات محافل معینی در ایالات متحده آمریکا و ترکیه، پیرامون امکان دخالت ترکیه در جنگ و اعزام سربازان بسوی شمال عراق و همچنین تمرکز یگانهای بزرگ نظامی ترکیه در مرز عراق همراه شده است. همزمان با این چرخش، محافل دست راستی صهیونیستی اسرائیل تحقق اقدامات خود در جهت سرکوب قیام خلق فلسطین را دنبال می‌کنند.

چهار حزب مابقی سر بودن جنگ ایران و عراق و بیگانگی منطق آن با سرشت بشری را کاملاً درک می‌کنند. این جنگ فقط می‌تواند سبب ویرانی‌هایی باز هم بیشتر در هر دو کشور درگیر شود و زیان‌هایی برای همه همسایگانشان ببار آورد. این جنگ تنها بسود امپریالیسم است که مانند گذشته از همه وسایل استفاده می‌کند تا آتش آن را شعله ورننگه دارد و هر گونه تلاشی را در راستای پایان دادن به آن بر پایه دموکراسی و عادلانه، که پاسخگوی منافع همه خلقهای منطقه و پیش از همه منافع خلقهای ایران و عراق باشد، ناکام سازد.

امپریالیسم وضع را در منطقه‌ای که بدون آن هم انفجاری است بشدت حاد کرده است و این می‌تواند سنگین‌ترین پیامدها را برای امر امنیت و صلح در منطقه و در سراسر جهان ببار آورد.

با در نظر گرفتن این عوامل و بویژه تشدید ثوبین عملیات جنگی، احزاب ما پایان یافتن جنگ بر اساس دموکراسی و عادلانه، با محتوی نفی هر گونه اشغال و انضمام سرزمین‌های دیگران، بازگشت نیروهای نظامی طرفین درگیر به مرزهای بین‌المللی پیش از جنگ و همچنین رعایت کامل حق هر خلق در کزبش شکل حاکمیت خود، طبق تمایل خویش و احترام به حق حاکمیت و استقلال هر یک از کشورها، دعوت می‌کنند. برای دستیابی به قطع بی‌درنگ

آنگاه در بخش پایانی اعلامیه دیدگاه اصولی حزب ما درباره چگونگی خاتمه بخشیدن به شنج موجود در منطقه مطرح می‌گردد:

"حزب توده ایران، با در نظر گرفتن مصالح ملی و بین‌المللی، خواهان خروج بلادرنگ همه نیروهای دریایی و ناویگان جنگی کشورهای بیگانه از خلیج فارس است. ما خواهان اجرای بدون قید و شرط قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد از جانب رژیمهای ایران و عراق هستیم. . . . مسائل مورد اختلاف بین دو کشور ایران و عراق رانه از طریق نظامی، بلکه از راه مذاکرات سیاسی باید حل کرد. . . . مردم ایران خواهان صلح هستند و وظیفه همه نیروهای مترقی، ملی و میهن پرست است که دست بدست هم داده و در راه تحقق این خواست مردم، متحد مبارزه کنند."

جنگ، احزاب ما از پیشنهاد های اتحاد شوروی درباره وضع در خلیج فارس، بیرون بردن ناویگانهای بیگانه از منطقه و غیر مجاز بودن دخالت و فشار از جانب امپریالیسم و همچنین تلاش برای ایجاد جو مساعد بخاطر انجام گفتگوهای صلح با هدف پایان دادن به جنگ پشتیبانی می‌کنند.

همخوان با روح این دیدگاهها، احزاب ما بر آنند که تشدید ثوبین عملیات جنگی در تعارض با همه تلاشهای صلح‌جویانه‌ای است که بخاطر قطع آن انجام می‌گیرد. احزاب ما به قاطعانه‌ترین شکل کاربرد جنگ افزا رشیماپی از سوی حکام عراق را که منجر به مرگ هزاران تن از ساکنان بی‌گناه حلبچه و دیگر شهرها و روستاهای کردستان عراق شده است و همچنین بطور کلی کاربرد این جنگ افزا دردمشانه را از سوی هر کس که باشد محکوم می‌کنند. احزاب ما بکارگیری پیوسته گسترده تر موشک برای ویران کردن شهرها را که در نتیجه آن اهالی غیر نظامی نابود می‌شوند، محکوم می‌دانند و خواهان قطع فوری "جنگ شهرها" هستند.

احزاب ما ترور گسترده مسلحانه علیه خلقهای سه کشور را قاطعانه محکوم می‌کنند و همگان را به مبارزه بخاطر رعایت حقوق دموکراسی توده‌های مردم فرامی‌خوانند و خواهان آزادی رفقا حیدر کوتلو و نیهات سارگین و همچنین همه زندانیان سیاسی، میهن پرستان و دموکراتهایی هستند که در زندانهای سه کشور زجر می‌کشند.

چهار حزب می‌خواهند که به ظلم و تضحیتی که علیه خلق کرد اعمال می‌گردد پایان داده شود و خواستهای قانونی و ملی خلق کرد برآورده گردد.

ما بر آنیم که تمرکز نیروهای ترکیه در مرز عراق موجب پیامدهای سنگین، هم برای خلقهایمان و هم برای خلقهای کشورهای همسایه می‌شود و مادر آن تهدیدی جدی برای خلق عراق، نیروهای ملی و میهن پرست این کشور در بهره‌گیری آنها از حق حاکمیت در سرزمین خود می‌بینیم. از این رو، احزاب ما از دولت ترکیه می‌طلبند بگونه‌ای سریع و قاطع از توطئه امپریالیسم و دستیارانش که در راستای کشاندن ترکیه به جنگ و اعزام سربازانش به سرزمین عراق است فاصله بگیرد. احزاب ما خواستار بازپس کشیدن ارتش ترکیه از مرز عراقند و در عین حال طرفین درگیر را فرامی‌خوانند از هر عملی که بتواند به گسترش دامنه عملیات جنگی به بیرون از مرزهای دو کشور بیانجامد، خودداری کنند.

احزاب ما با احترام عمیق به مبارزه قهرمانانه خلق فلسطین بر خورد می‌کنند و جنایاتی را که روزانه از سوی اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی علیه فلسطینی‌ها انجام می‌شود، محکوم می‌سازند. احزاب ما پشتیبانی کامل خود را از خواستهای خلق فلسطین و همچنین خواست دعوت یک کنفرانس بین‌المللی زیر چتر سازمان ملل متحد، با شرکت همه اعضای دائمی شورای امنیت و همه طرفهای ذینفع و از جمله سازمان آزادی بخش فلسطین اعلام می‌دارند. این کنفرانس باید دارای همه گونه اختیار برای سامان دهی درگیری اعراب و اسرائیل بر پایه بیرون رفتن اسرائیل از سرزمین‌های اشغال شده عربی و تحقق حق خلق فلسطین برای تعیین سرنوش و ایجاد دولت مستقل خود باشد. احزاب ما

قتل خلیل وزیر (ابو جهاد)، رهبر فلسطینی را که توسط "موساد"، سرویس ویژه اسرائیل، انجام شده است با نفرت محکوم می‌کنند و اطمینان دارند که این جنایت اراه خلق فلسطین را برای ادامه مبارزه گسترده در راه تحقق هدفهای قانونی‌اش بازم بیشتر تقویت خواهد کرد.

احزاب ما به مناسبت گامهای برداشته شده در راستای عادی کردن وضع پیرامون افغانستان، بر پایه سیاست آشتی ملی، سیاست اعلام شده از سوی دولت افغانستان و توافق افغانستان و پاکستان که در چهاردهم آوریل در ژنو بدست آمد، خوشنودی خود را ابراز می‌دارند. ما همه کسانی را که خواهان بهروزی مردم افغانستان هستند و آرزوی پیشرفت بی‌وقفه و زندگی شایسته برایشان دارند فرا می‌خوانیم تا در جهت تامین شرایطی که منجر به دستیابی به آشتی ملی و برداشتن موانع و دشواریها از سر راه خلق افغانستان، تحقق بخشیدن به امکاناتی که برای حل مستقلانه مسائل کشور و بازگشت پناهندگان به میهن خود فراهم شده است عمل کنند.

احزاب ما به تلاشهای عظیم و پیشنهاد های متعدد اتحاد شوروی، در راستای تامین خلیج سلاح هسته‌ای و رها ساختن بشریت از تهدید جنگ هسته‌ای به دیده احترام می‌نگرند. ما برای ابتکارات پیگیرانه صلح اتحاد شوروی که به امضای توافق درباره نابود کردن موشکهای میان برد و کوتاه برد انجامید و همچنین کوششهای برای حل درگیریهای منطقه‌ای، از جمله درگیری اعراب و اسرائیل و جنگ ایران و عراق ارزش عالی قائلیم.

چهار حزب، با اظهار اطمینان از اینکه دعوت ما از سوی همه کسانی که منافع خلق خود و منافع صلح در منطقه و سراسر جهان برایشان ارزشمند است استقبال خواهد شد، همه نیروهای شرافتمند در عراق، ایران و ترکیه را فرامی‌خوانند بنام تحقق هدفهای انسانی گنجانده شده در این اعلامیه متحد شوند.

احزاب ما همچنین اطمینان دارند که این فراخوان از پشتیبانی همه انسانهای با حسن نیت و مبارزان راه آزادی و صلح در سراسر جهان برخوردار خواهد شد.

۱۹ آوریل ۱۹۸۸

\* \* \*

این اعلامیه مشترک که در آن تحلیل و مواضع مشترک چهار حزب برادر بخصوص پیرامون واپسین تحولات منطقه در پیوند با جنگ ایران و عراق بازتاب یافته، از اهمیت افشاگرانه سیاسی ویژه‌ای برخوردار است. از آنجائیکه این اعلامیه، در عرصه مبارزه در راه پایان بخشیدن به جنگ امپریالیسم بر افروخته ایران و عراق می‌تواند نقش افشا کننده و بسیج‌گرانه خاص خود را ایفا کند، ما از همه اعضا و هواداران حزب در خارج از کشور می‌طلبیم در هر کجا و هر کشوری که هستند با بهره‌جویی از امکانات موجود، این اعلامیه را ترجمه، تکثیر و پخش کنند و در عین حال برای به چاپ رساندن آن در نشریات و مطبوعات مترقی تلاش ورزند.

\*



## شورای امنیت تروریسم دولتی اسرائیل را محکوم کرد

روز دوشنبه ۲۵ آوریل، شورای امنیت سازمان ملل متحد نقض حاکمیت و تمامیت ارضی تونس را از سوی اسرائیل محکوم کرد. چنانکه در شماره پیش خبر دادیم، تروریست‌های اسرائیل با طرح و اجرای دیسه‌ای جنایکارانه خلیل الوزیر، ملقب به "ابو جهاد"، یکی از رهبران برجسته "سازمان آزادی بخش فلسطین"، و سه تن از باران او را در خاک تونس بقتل رساندند.

در این قطعنامه، که با رای موافق چهارده کشور (و رای ممتنع ایالات متحده آمریکا) تصویب شد، شورای امنیت نگرانی عمیق خود را از این عمل تجاوزکارانه، که صلح، امنیت و ثبات را در منطقه مدیریتانه بخطر می‌اندازد، ابراز

داشت.

طرح اصلی قطعنامه نامبرده را شش عضو غیر متعهد شورای امنیت، الجزایر، آرژانتین، برونسلاوی، نپال، زامبیا و سنگال، تهیه کرده بودند. در بحثی، که درباره طرح قطعنامه صورت گرفت، نمایندگان نزدیک به ۵۰ کشور جهان، ترور "ابوجهاد" را بشدت محکوم کردند و تجاوز اسرائیل را نقض خشونت آمیز منشور سازمان ملل و حقوق و موازین بین‌المللی خواندند. بسیاری از آنها خواستار اتخاذ تدابیر مشخص برای جلوگیری از چنین قانون شکنی‌های ددمشانه رژیم تروریست اسرائیل شدند.

\*\*\*

## شخصیت‌های بین‌المللی

### نگران حال زندانیان سیاسی هستند

در جنب کنفرانس بین‌المللی سازمان همبستگی خلق‌های آسیا و آفریقا پیرامون نقش سازمان‌های اجتماعی غیر دولتی در حل و فصل درگیری‌های منطقه‌ای، که از ۲۱ تا ۲۹ مارس در کابل برگزار شد و خبر آنرا در شماره ۲۰۴ "نامه مردم" دادیم، بسیاری از شرکت‌کنندگان متن زیر را امضا کردند:

"ما اندوه و نگرانی خویش را از شرایط زندگی زندانیان سیاسی ایران ابراز می‌داریم و خواستار آنیم، که:

- ۱ - سرکوب، شکنجه و اعدام نیروهای مرفقی و دمکراتیک ایران پایان یابد.
- ۲ - کمیونی برای رسیدگی به موارد نقض

## بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست لوکزامبورگ

در روزهای ۲۵ - ۲۴ آوریل بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست لوکزامبورگ با شرکت نزدیک به ۲۰۰ نماینده در دیفردینگن برگزار شد.

رئیس اوربانی، صدر حزب، در گزارش خود به کنگره یادآور گشت، که "حزب کمونیست لوکزامبورگ در سالهای گذشته با دفاع پیکر از حقوق اجتماعی و دمکراتیک زحمتکشان به موفقیت‌هایی دست یافت، که به افزایش اعتبار حزب انجامید".

در گزارش رنه اوربانی آمده است، که صاحبان صنایع لوکزامبورگ در ظرف ده سال اخیر ده درصد از میزان اشتغال کاسته‌اند. اکنون شماره کارمندان بانکها از تعداد زحمتکشان شاغل در صنایع نیز فزون تر است. چنین پدیده‌ای طبعاً نمی‌تواند بود پیشرفت صنعت باشد و نویدبخش چشم‌انداز درخشانی برای جوانان لوکزامبورگ نیست.

بر پایه ارزیابی گزارش صدر حزب کمونیست لوکزامبورگ، امضای قرارداد نابودی موشک‌های میان‌برد، "پیشرفتی تاریخی بود صلح است، که باید با گام‌های دیگری در راه تنش‌زدایی و خلع سلاح ادامه یابد. بگفته او "گر چه نیروهای واقع بین توان بیشتری یافته‌اند، با اینهمه نباید از نظر دور داشت، که هواداران رویارویی جویی و سابقه تسلیحاتی می‌کشند، تا با نوسازی جنگ افزارهای کوتاه برد و افزایش سلاح‌های سنتی سنگ‌های از دست رفته را بازیابند".

اوربانی متذکر شد، که نمایندگان حزب کمونیست لوکزامبورگ در پارلمان، سالها پیش دولت را به پشتیبانی از ایجاد مناطق بری از سلاح‌های هسته‌ای شامل لوکزامبورگ فراخوانده بودند و بار دیگر این پیشنهاد خود را تکرار کرد.

کنگره بیست و پنجم در قطعنامه پایانی خویش بر ضرورت "سیج هر چه کارآتر زحمتکشان" کشور تاکید ورزید و خاطر نشان ساخت، که "حزب کمونیست لوکزامبورگ همواره مدافع اکثریت مردم بوده است. درهای حزب بروی همه کسانی، که می‌خواهند بر نابامانی‌های اجتماعی چیره شوند، همیشه باز خواهد بود".

در پایان کنگره، کمیته مرکزی جدید حزب انتخاب شد. کمیته مرکزی در نخستین نشست خود، باتفاق آرا، رنه اوربانی را بار دیگر به سمت صدر حزب کمونیست لوکزامبورگ برگزید.

حقوق بشر و شرایط زندگی زندانیان سیاسی ایران به این کشور برود".

از حدود ۷۰ شخصیت امضا کننده می‌توان از اچیکو (دبیر سازمان روابط بین‌المللی کمیته صلح، همبستگی و دوستی اتیوپی)، عبدالرحیم هاتف (رئیس شورای مرکزی جبهه ملی افغانستان)، جان کلی (دبیر کل سازمان سراسری صلح و همبستگی هندوستان)، فاروقی و بیلا (رئیس فدراسیون ملی زنان هندوستان)، ماناکا (نماینده کنگره ملی آفریقا)، لوتیزا آموریم (معاون فدراسیون بین‌المللی دمکراتیک زنان)، عبدالخلیق خان (رهبر حزب پاکستان پشتونخواه) و محمد یاسین (سازمان آزادی بخش فلسطین) نام برد.

## به مبارزان فلسطینی کمک کنید

"UNITED NATIONS RELIEF AND WORKS AGENCY FOR PALESTINIAN REFUGEES" ارسال داشت.

بتوصیه رفقای فلسطینی، در عین حال، باید مقامات اسرائیلی را مجبور ساخت، تا از توزیع محموله‌های غذا و دارو جلوگیری بعمل نیاورند.

حزب توده ایران همه رفقا و هواداران حزب را فرامی‌خواند، تا با توجه به امکانات خود به یاری مبارزان فلسطینی بشتابند و از این راه همبستگی خویش را با پیکار حق طلبانه آنها علیه اشغالگران فلسطینی بیثبوت رسانند.

یادآوری: مرکز حزب را از کمک خود به فلسطین اشغالی آگاه سازید.

در نامه‌ای، که چند روز پیش از کمیته مرکزی حزب کمونیست فلسطین بدست ما رسید، از "وضع بس رقت انگیز" و "وخیم" منطلقه اشغالی کرانه باختری و نوار غزه سخن می‌رود. بر پایه اطلاعات حزب برادر، تنها تا ماه مارس گذشته بیش از ۲۰۰ فلسطینی بدست دژخیمان اسرائیل کشته شدند. فزون بر این، اشغالگران هزاران تن را زخمی و ده‌ها هزار نفر را بازداشت کرده‌اند.

محاصره اردوها به قحطی و کمبود دارو و پزشکی انجامیده است. در نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست فلسطین آمده است:

"ما از شما تقاضای کمک فوری، بویژه اعزام پزشک و فرستادن دارو و مواد غذایی را داریم و می‌افزاید، که مواد غذایی را می‌توان از طریق "صلیب سرخ بین‌المللی" ویا



آدرس پستی:

NAMEH  
MARDOM  
NO: 205

P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

3 May 1988

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است